■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی ■ سردبیر: روحا... رجایی

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۴۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام‌جم)

دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۹۹ | ۹ شوال ۱۴۴۱ | ۲۰ صفحه | سال بیست و یکم - شماره ۵۶۷۲ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان | Monday - 2020 JUN 1

حدیث روز: تحف‌العقول

امام صادق(ع) فرمود: به رفاقت کسی اعتماد مکن، تا او را [از روی امتحان] سه بار به خشم آوری.

پلک احساس: مولانا

هله نومید نباشی که تو را یار براند
گرت امروز براند نه که فردات بخواند

امروز در تاریخ

- تاسیس شهرداری تهران (۱۲۸۶ ش)
- درگذشت حجت‌الاسلام سیدعلی اکبر ابوترابی (۱۳۷۹ ش)
- درگذشت پروین سلیمانی، بازیگر (۱۳۸۸ ش)
- درگذشت آیت‌ا... جلال‌الدین طاهری، امام جمعه اصفهان (۱۳۹۲ ش)

اوقات شرعی:
اذان ظهر: ۱۳/۰۲ | غروب آفتاب: ۲۰/۱۵
اذان مغرب: ۲۰/۳۶ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰/۱۰
اذان صبح (فردا): ۴/۰۵ | طلوع خورشید (فردا): ۵/۴۹

پیش‌بینی آب و هوا سه‌شنبه

تهران	اهواز	ارومیه	اراک	بوشهر	ساری	قزوین	قم
۲۶ / ۳۷	۲۸ / ۴۹	۱۳ / ۳۱	۱۶ / ۳۴	۲۸ / ۳۶	۲۱ / ۳۲	۱۸ / ۳۶	۲۱ / ۴۰

حکمت ۷۱ نهج‌البلاغه

چون عقل کامل گردد، سخن اندك شود.

خودنویس

لبخندی با طعم زیره

حامد عسکری
شاعر و نویسنده

از همین چهره‌های تیپیکال دستفروش‌های خیابانی داشت. مقنعه‌ای تریکو، چادری مشکی، کمی از قدش بلندتر و دمپایی‌های پلاستیکی صورتی چرک با صورتی آفتاب‌خورده و صورتی دخترانه و دست نخورده و زیبایی‌ای فراموش شده.

روی سفره توی سایه غلیظ نارونی حوالی میدان فردوسی نشسته بود و زیره سیاه می‌فروخت و گوشتکوب و وردنه‌های خراطی‌شده چوبی. بیست ساله می‌زد با دست‌هایی چهل ساله. داشت روزنامه می‌خواند، صفحه حوادث. از روی عکس رومینا فهمیدم. دختر تالشی که چند روز پیش توسط پدرش ... پا سست کردم. بی هوا گفتم نترس! گفت چی آقا؟ گفتم نترس! گفت از چی آقا؟ گفتم: بابات خیلی دوستت داره.

گفت بله می دونم. گفتم این صفحه رو خوندی ته دلت نلرزه‌ها، بابات عاشقته. گفت: نه بابا من خودم هم خیلی پدرم رو دوست دارم. این رومینا خوشگل بوده، یکی بوده دوستش داشته. من خوشگل نیستم اون یکی بوده که دوستش داشته باشه. کجا فرار کنم؟ بابا ننه‌مو با هیچی عوض نمی‌کنم. گفتم: خونه‌تون کجاست؟

گفت: هرندی. گفتم چندتا خواهربرادرین؟ گفت چهارتا. گفتم بابات چیکاره هست؟ گفت: راننده کامیون بوده تصادف کرده قطع نخاع شده، من و خواهر و مادرم کار می کنیم.

گفتم روزی چندتومن اینجا کاسبی؟ گفت: بیست سی تومن. بعد گفت: صبحونه چی خوردی؟ گفتم نیمرو، قاعده یک قاشق چایخوری زیره ریخت کف دستم و گفت: نیمرو سنگینه، بخور سنگینیش رو می‌گیره. من دهانم طعم زیره گرفت و با لبخند دخترک خداحافظی کردم. نازنین زیبا بود و زیبا می‌خندید. مثل رومینا، مثل خودش، مثل همه دختران سرزمینم.

گفت‌وگو با نصرا... حدادی، پژوهشگر و تهران‌شناس

پهلوی دوم، معماری را بی‌هویت کرد

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

تهران در ۱۲ خرداد سال ۱۲۸۶ صاحب بلدیه شد و عمارتش در سبزه‌میدان ساخته شد. بعدها بلدیه به نام شهرداری تغییر نام داد و ساختمانش هم به خیابان بهشت منتقل شد. عمارت بلدیه هم تقریبا از بین رفت، اما با تلاش علاقه‌مندان به میراث ایران و تهران بازسازی این عمارت چند سالی است آغاز شده و قرار است با نام خانه شهر بخشی از میراث تهران را در خود حفظ کند. با نصرا... حدادی که درباره تهران بسیار می‌داند، هم‌صحبت شدم تا درباره وظایف شهرداری یا همان بلدیه برایمان بگوید. ناگفته نماند که حدادی در همان ابتدای صحبت به معماری تهران تاخت و پهلوی دوم را باعث و بانی نابودی معماری زیبا و سنتی تهران و ایران دانست و گفت: «پهلوی دوم با استفاده از الگوی معماری آمریکایی، معماری ایران را بی‌حیا کرد! حتی اگر از معماری اروپا استفاده می‌کرد الان شهرها به این میزان زشت و بی‌قواره نبودند. معماری ایرانی اصیل حیات داشت و اندرونی و بیرونی و همین باعث می‌شد که حریم ساکنان خانه حفظ شود، اما الان شهرها، چشم دریده‌هایی هستند که با زشتی تمام همه چیز را عیان می‌کنند و شهرداری‌ها باعث و بانی این بی‌حیایی معماری هستند.»

نمایی از عمارت بلدیه تهران

کافه میرداماد

اولین بلدیه در شهر تبریز دایر شد. بلدیه تهران آیا از روی شهرداری تبریز الگوبرداری شد؟

نه! چون تبریز شهر مهاجرپذیر نبود. تهران قدیم چهار محله داشت؛ سنگلج در غرب، چهارمیدان در شرق، پامنار و عودلاجان در مرکز و دولت در شمال که از همان اول مهاجرنشین بودند. تبریز اما هویت تاریخی داشت و قدیمی‌ترین معماری ایرانی را در این شهر می‌توان دید. تبریز از نظر اقلیمی شهری سرد بود و تهران معتدل، بنابراین بلدیه تهران و تبریز اصلا نمی‌توانستند مثل هم باشند.

از همان زمان معماری و ساختمان‌سازی تحت نظر بلدیه تهران بود؟

ایرانی‌ها که چنین کارهایی را بلد نبودند. زمانی که کنت منت دوفور، سوئدی به ایران آمد، قانونی وضع می‌کند که هر کسی می‌خواهد در تهران ساختمان بسازد باید نقشه‌اش را به اداره احتساب واقع در اداره پلیس بیاورد، اما بعدها این وظیفه به عهده بلدیه قرار می‌گیرد البته مردم زیاد به این قوانین توجهی نمی‌کنند و خانه‌هایشان را بر اساس قواره خودشان می‌ساختند برای همین معماری هویت داشت، اما الان آدم‌ها را به قواره خانه در می‌آورند.

چهار محله‌ای که در تهران قدیم وجود داشت بر چه اساسی تقسیم‌بندی شده بود؟

محله سنگلج، محله‌ای تو در تو و بسیار مهاجرنشین بود. محله پامنار و عودلاجان اعیان‌نشین بود که تا سال ۱۳۴۶ هم همین هویت را حفظ کرد. در شرق تهران، محله چاله میدان قرار داشت که پاتوق لات‌ها و حاشیه‌نشین‌ها بود. به آن می‌گفتند چاله میدان چون خاك‌برداری می‌کردند و از خاکش خشت و آجر می‌ساختند برای دیگر مناطق. در سال ۱۳۴۶ که محله ناصریه را خراب کردند، محله‌ای جدید به وجود آمد به‌نام محله دولت که بالادست میدان بهارستان فعلی بود. این محله خیلی زود تبدیل شد به محله‌ای که آدم‌های تقریبا مرفه در آنجا خانه گرفتند و از همین زمان مشخص شد که آدم‌های هر طبقه در کدام محله زندگی می‌کنند. الان هم هنوز این محله‌بندی و منطقه‌بندی ادامه دارد و مثلا پول‌دارها در محله زعفرانیه زندگی می‌کنند و آدم‌های بی‌پول در شوش.

این محله‌بندی را شهرداری انجام داد؟

تهران وقتی بزرگ شد، این منطقه‌بندی را با خودش آورد، اما در دوره پهلوی اول، بلدیه در مسائل شهری دخالت نمی‌کرد و این سبك از شهرداری که هنوز هم ادامه دارد بعد از کودتای سال ۱۳۲۰ و به دست آمریکایی‌ها وارد ایران شد به همین دلیل در دوره پهلوی اول معماری ایرانی هنوز هویت دارد اما در دوره پهلوی دوم نابودی‌اش شروع می‌شود که همچنان ادامه دارد.

کارهای اولیه که بلدیه تهران انجام می‌داد، چه کارهایی بود؟

خیلی کارهای پیشرفته و قوانین درست و حسابی. اولین مقررات را برای امین حضور می‌نویسند، قوانین جالبی بوده که برگرفته از قوانین اروپاییان بوده، مثل این که باید زباله‌ها را جمع‌آوری کرده و جلوی خانه‌هایشان فانوس روشن کنند و کسی حق ندارد فانوس‌ها را بشکند و... اما امین حضور قدرت اجرایی کردن این قوانین را ندارد، ولی وقتی کنت مونت دوروف به ایران می‌آید، ۵۸ قانون سفت و سخت می‌نویسد که الان هم قابلیت اجرایی دارد. مثلا می‌نویسد اگر کسی پول تقلبی چاپ کند باید ۲۵ سال در زندان دست و پایش را به هم ببندند. درباره جمع‌آوری زباله و عبور و مرور چهارپایان و... هم قوانین درست وضع کرده بود.

جمع‌آوری و دفع زباله در تهران همیشه مساله بوده، از چه زمانی برای این کار قانون وضع شد؟

از دوره امین حضور. در قوانین نوشته شده که هر خانه‌ای موظف است زبیل (زباله) را از خانه جمع کرده و کارکنان بلدیه باید این زباله‌ها را جمع‌آوری کنند و به بیرون شهر ببرند. این قانون باید در همه محله‌ها اجرایی می‌شد. آن زمان جایی به‌نام برزن وجود داشت که زباله‌ها را در انجا خالی می‌کردند و سوپورها این زباله‌ها را به خارج شهر منتقل می‌کردند.

آسفالت کوچه‌ها و محله‌ها از چه زمانی شروع شد؟

در دوره ناصرالدین شاه دستور می‌دهد خیابان ناصریه (ناصر خسرو فعلی) را سنگفرش کنند. عیب سنگفرش این بود که اسب‌ها روی آنها سُر می‌خوردند. آسفالت در زمان رضاخان به ایران آورده شد و اولین جایی که آسفالت شد، فاصله میان کاخ گلستان و کاخ مرمر است. خیابان فلسطین فعلی هم از اولین جاهایی در تهران بود که آسفالت شد. سلیمان بهبودی در خاطراتش می‌گوید که روس‌ها، آسفالت را به ایران آوردند، رضاخان گفت برای آسفالت چه چیزی لازم است که خودمان آسفالت بسازیم. کسانی را فرستاد تا ببینند روس‌ها چگونه آسفالت می‌سازند، آمدند و به او گفتند برای این کار به قیر نیاز داریم. دستور داد از جنوب قیر آورند و آسفالت ساختند، اما چون خوب از کار درنیامد، روس‌ها کارشان را ادامه دادند و ایرانی‌ها آنقدر تمرین کردند تا آسفالت‌سازی را یاد گرفتند.

طراحی و ساخت فضای سبز در تهران هم به عهده شهرداری بود از اول؟

در سال ۱۳۱۴ به دستور رضا شاه محله سنگلج را خراب کردند و این محله تبدیل شد به بیغوله‌ای که خلافکارها در آنجا جمع می‌شدند، البته رضاخان برای این منطقه فکرهایی در سر داشت که حکومتش دوام نیاورد و در سال ۱۳۲۴ پارك شهر زیر نظر شهرداری در منطقه سنگلج ساخته شد. موسی مُهام از شهردارانی بود که برای فضای سبز تهران ایده‌های زیادی داشت و بسیاری از آنها را اجرایی کرد که به پارك لاله می‌توان اشاره کرد.

سوپورها از اولین افرادی بودند که در بلدیه شروع به کار کردند، ریشه کلمه سوپور چیست و آیا آن زمان در بلدیه استخدام می‌شدند؟

باید ریشه ترکی داشته باشد. افرادی بودند از طبقه بسیار پایین که کارهای خدماتی انجام می‌دادند. مثل جمع‌آوری زباله و تمیز کردن شهر تا جایی که می‌دانم استخدام می‌شدند هرچند حقوق زیادی دریافت نمی‌کردند، اما مثل الان نبود که روزمزد باشند و بدون هیچ مزایایی.

محله‌های تهران قدیم

محله سنگلج، محله‌ای تو در تو و بسیار مهاجرنشین بود. محله پامنار و عودلاجان عیان‌نشین بود که تا سال ۱۳۴۶ هم همین هویت را حفظ کرد. در شرق تهران، محله چاله میدان قرار داشت که پاتوق لات‌ها و حاشیه‌نشین‌ها بود

مقطع حساس کنونی

ماجرای دو شخص و یک پیر و راز پشت پرده

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

در روزگار حکومت سلسله گوگوریو بر سرزمین کره، دو شخص که با یکدیگر دوست بودند در یک روز تعطیل تصمیم گرفتند با هم به بیرون بروند. شخص اول که اخلاق‌گرا بود، پیشنهاد کرد با هم به معبد عزیمت کنند و به امور معنوی مشغول شوند. اما شخص دوم که خوشگذران بود، پیشنهاد کرد با هم به بار بروند و نجسی بخورند و سپس به دنسینگ عزیمت کنند. از آنجا که هریک بر اساس مبانی فکری و اخلاقی خود بر پیشنهاد خود اصرار داشتند، از هم جدا شدند. شخص اول به معبد رفت، اما در آستانه ورودی معبد ناگهان پاره‌آجری از دیوار کنده شد و به سر او اصابت کرد و آن را شکست. شخص دوم نیز به بار و دنسینگ رفت و در راه هزار وون نیز پیدا کرد. هنگام غروب دو شخص بار دیگر به هم رسیدند. شخص دوم گفت: وا! سرت چی شده؟ شخص اول گفت: آجر خورده. شخص دوم گفت: بفرما. تو به معبد رفتی و سرت شکست، من به دنسینگ رفتم و هزار وون نیز پیدا کردم. کدام بهتر است؟ آنها تصمیم گرفتند سراغ پیر دانا بروند و از او بپرسند کدام بهتر است. پیر دانا که در خلوتگاه نشسته و مشغول تفکر در مفاهیم بنیادین هستی بود، پس از شنیدن ماجرا برخاست و مقداری قدم زد و پس از چند ثانیه گفت: ببخشید، پایم خواب رفته بود. وی سپس افزود: ای شخص اول، تو قرار بود زیر تریلی بروی، اما به خاطر عزیمت به معبد، فقط یک پاره‌آجر به سرت خورد. و ای شخص دوم، تو قرار بود گنج پیدا کنی، اما به خاطر عزیمت به بار و دنسینگ تنها هزار وون پیدا کردی. شخص دوم گفت: از کجا معلوم؟ پیر دانا گفت: از اونجا و به گنجی که مردی دیگر پیدا کرده بود و آن را برای فروش به بازار جواهرفروشان می‌برد، اشاره کرد. در این لحظه شخص دوم که واقعا عبرت گرفته بود از شخص اول عذرخواهی کرد و هزار وون را برای کمک به امورات معبد به پیر دانا اهدا کرد و قبض آن را گرفت و برای مدتی واقعا خاموش شد.

مرور و عبور با جام‌جم ۲۰ سال قبل

پائولو کوئلیو در ایران

پائولو کوئلیو، نویسنده برزیلی سفر به ایران را رویای دیرینه خود دانست که سال‌ها منتظر تحقق آن بود.

وی روز گذشته در جمع صدها نفر از خوانندگان ایرانی کتاب‌هایش در تالار وحدت گفت: شما تنها خوانندگان آثار من نیستید شما را دوستانی می‌دانم که در یك راه و عشق مشترك برای صلح و دنیای مقدس می‌جنگیم. این نویسنده برزیلی افزود: فکری که در کتاب متجلی می‌شود مسافری است که به سرزمین‌های مختلف سفر می‌کند، ولی تنها کسانی که با نویسنده تشابه فکری دارند انعکاس روحی او را درك می‌کنند.

وی در ادامه گفت: یك کتاب تنها از سوی نویسنده نوشته نمی‌شود، بلکه نویسنده با خوانندگان خود به طور مشترك به وجود می‌آورند.

مهاجرانی هم در این مراسم، آثار کوئلیو را سرشار از مهر، صلح و نوعدوستی توصیف کرد و از ابتکار انتشاراتی کاروان برای دعوت این نویسنده به ایران قدردانی کرد. (صفحه ۱)

خاطرات حجت‌الاسلام دعایی درباره امام(ره)

«روزی امام داشتند به رادیو گوش می‌کردند و اتفاقی رادیو فارسی بغداد را می‌شنیدند که هتاکانه به امام ناسزا می‌گفت. عروسشان افسرده می‌شود و می‌گوید: چرا اینها را گوش می‌کنید؟ امام(ره) می‌فرمایند: بس که رادیو و تلویزیون در تمجید من مبالغه می‌کنند اینها را گوش می‌دهم تا نفسم تعدیل شود.» یك خاطره دیگر هم که نقل شده این است که ایشان به بستگان نزدیکشان توصیه کرده بودند جوك‌ها و طنزهایی که در جامعه نسبت به روحانیت و مسؤولان نقل می‌شود با دقت برای امام(ره) تعریف کنند. نظر ایشان این بود که همه اینها نشان‌دهنده واکنش‌های اجتماعی بود و امام تاکید داشتند از این واکنش‌ها باخبر باشند. (صفحه ۵)

نظر رامین پرچمی درباره آثار جنگی

«اینجا خانه من است» فیلمی است با موضوع جبهه و جنگ که چند روز قبل از شبکه دو پخش شد. این فیلم نگاهی دارد به زندگی پسری که پدرش شهید شده است. روزنامه جام‌جم با رامین پرچمی، بازیگر نقش اول این فیلم گفت‌وگویی انجام داده که می‌خوانید:

از فیلم‌هایی که درباره جنگ ساخته می‌شود، گاهی استقبال نمی‌شود، علت را چه می‌دانید؟

در این فیلم‌ها یکسری مسائل به صورت شعاری مطرح می‌شود که به جای جذب بیننده او را دفع می‌کند.

آیا فیلم اینجا خانه من است، به حل مشکلات خانواده شهدا کمکی می‌کند؟

مشکلات را به نوعی نشان می‌دهد، ولی راه‌حل ارائه نمی‌شود.

شما ساخت چنین فیلم‌هایی را لازم می‌دانید؟ اگر درست ساخته شوند، بله! ولی اگر با عدم تعادل اصل قضیه را تحت پوشش قرار دهیم و باعث شویم که مردم بگویند وای باز هم فیلم جنگی، بهتر است فیلمی نسازیم. اما کلا معتقدم باید سال‌های سال در این زمینه فیلم‌های خوب ساخته شود. (صفحه ۳)

JAM-E-JAM Vol.1 No.29 WED.JUNE.1.2000

جام جم

در گفتگو با «جام‌جم» عنوان کرد

الویری: تعهد می کنم ۲۵ درصد آلودگی هوای تهران کم شود

برفتی ماندگار من!

اشتباه نکنید! طرح توجیه کارشناسی داشت

مسافران جدید به مسافرری پیوستند

حالا نوبت مجلس است طرح ساماندهی اقتصادی را از زمین بردارید

محمود بصیری: فیلمسازان مرا فراموش نکنند

محمود بصیری؛ بازیگر کمدی که پیش از این او را در مجموعه‌های آرایشگاه زیبا، هتل و ورثه آقای نیکبخت دیده‌ایم مدتی است، فعالیت جدیدی در زمینه بازیگری نداشته است. وی در این باره می‌گوید: از آبان ماه گذشته به علت تصادف و ضربه مغزی حدود شش ماه در بستر بیماری بودم و به تازگی بهبود پیدا کرده‌ام. در این مدت به دلیل خستگی فراوان و ناراحتی در چند کار کوتاه بازی کردم. یکی شازده کوچولو به کارگردانی رضا نامور و دیگری سریال ورثه آقای نیکبخت در نقش راننده تاکسی. چند پیشنهاد دیگر هم دریافت کرده‌ام که چندان دلچسب نبوده، اما برای کار خوب آماده‌ام و امیدوارم دوستان فیلمساز مرا فراموش نکنند. (صفحه ۱۲)

کره شمالی؛ فعالیت هسته‌ای ندارد

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد: تیم تحقیقاتی آمریکا در بازدید از تاسیسات هسته‌ای کره شمالی مدرکی دال بر فعالیت‌های هسته‌ای در این کشور به دست نیاورده است. این تاسیسات در مرحله نیمه تمام قرار دارند که در بازدید گذشته در ماه می گزارش شده و مقام‌های کره شمالی همکاری کاملی در این بازدیدها داشته‌اند. (صفحه ۹)